

## دکتر وندی ال ویدر، دانیل، جلسه 12، دانیال ۲، ۷ و ۸، دیدگاه‌های درباره چهار امپراتوری

© 2024 Wendy Widder و Ted Hildebrandt

من دکتر وندی ویدر و تدریس او در مورد کتاب دانیال هستم. این جلسه ۱۲، دانیال ۲، ۷ و ۸، دیدگاه‌هایی در مورد چهار امپراتوری است.

در این سخنرانی، می‌خواهم به دانیال ۲ برگردم و سپس دانیال ۷ و دانیال ۸ را انتخاب کنم و در مورد اینکه چگونه امپراتوری‌هایی که در آن سه فصل نشان داده شده‌اند، ممکن است در نوعی سیستم با هم هماهنگ شوند، صحبت کنم.

بنابراین، ما قصد داریم دیدگاه‌های مختلف در مورد چهار امپراتوری که در رؤیاهای دانیال و رویای نبوکدنصر نشان داده شده‌اند را بررسی کنیم. بنابراین، به این سمت می‌رویم. قبل از اینکه خیلی به این موضوع بپردازیم، می‌خواهم یک بررسی سریع دیگر از این تاریخ، این تاریخ بین عهدین، این تاریخ معبد دوم، هر عنوانی که برای آن می‌خواهید، انجام دهم.

زیرا اولاً، واقعاً غیرممکن است که بسیاری از این رؤیاها را در کتاب دانیال بدون درک کلی از آنها درک کنیم و شاید حتی مهمتر از آن، برای مطالعات دیگری که ممکن است داشته باشید، تفسیر صحیح عهد جدید بدون درک آنچه در دوره معبد دوم اتفاق افتاده است، غیرممکن است. ما اغلب، حداقل در محیطی که من در آن بزرگ شدم، با این تاریخ، این تاریخی که بین دو عهد اتفاق افتاده است، ناآشنا هستیم.

ما تمایل داریم به انتهای ملاکی برسیم و صفحه را به متی برگردانیم. ما فقط فرض می‌کنیم که از پایان آن وقایع عبور کرده‌ایم و اکنون آماده‌ایم تا صفحه بعدی را شروع کنیم. اما حدود ۴۰۰ سال تاریخ در آن صفحه وجود دارد که ورق می‌خورد. وقتی من بزرگ می‌شدم، اغلب آن را ۴۰۰ سال سکوت، آن دوره بین دو عهد، ۴۰۰ سال سکوت می‌نامیدیم، گویی هیچ صدایی از جانب خدا نبوده یا هیچ اتفاق مهمی در آن دوره زمانی رخ نداده است، که مطلقاً حقیقت ندارد.

بنابراین، من نمی‌خواهم آنها را ۴۰۰ سال سکوت بنامم. این دوره معبد دوم، تاریخ بین دو عهد است و برای درک دانیال و مطالعات بعدی عهد جدید بسیار مهم است. بنابراین، عهد عتیق حدود ۴۲۰ سال قبل از میلاد به پایان می‌رسد.

عهد جدید تا زمان تولد مسیح به این موضوع نمی‌پردازد. ما آن را تقریباً در حد صفر قرار می‌دهیم و خیالمان راحت است. اما در طول این ۴۰۰ سال، ما یک تغییر در امپراتوری جهانی، دو تغییر در امپراتوری جهانی داریم.

ما از ایران به دوره هلنیستی تحت سلطه یونان و سپس به روم می‌رویم. و در طول هر سه این دوره‌ها، در حالی که ملت اسرائیل به سرزمین خود بازگردانده شده و معبدی فعال دارند، اما ملتی مستقل نیستند. آنها همیشه استان کسی، تابع امپراتوری خاصی، ایران، یونان یا روم هستند که تاریخ آنها را شکل خواهد داد زیرا آنها هرگز قوم خودشان نیستند.

سپس، بخشی که ما بیشتر از همه در مورد معبد دوم و درک کتاب دانیال نگران آن هستیم، زمانی است که اسکندر کبیر درگذشت و پادشاهی او بین ژنرال‌هایش تقسیم شد. ما دو ژنرال کلیدی داریم، سلوکوس که کنترل سوریه را در دست دارد و بطلمیوس که کنترل مصر را در دست دارد، و آنها همیشه می‌خواهند قلمرو خود را گسترش دهند و برای انجام این کار، بر سر فلسطین، سرزمین اسرائیل، با هم مشاجره و جنگ می‌کنند. بنابراین، از قرن به قرن دیگر، این نوسان را در کنترل خواهید یافت.

گاهی اوقات، سلوکوس کنترل فلسطین را در دست خواهد داشت. گاهی اوقات، بطالسه بر فلسطین مسلط خواهند شد. حداقل شش جنگ وجود دارد، شش جنگ سوریه که بین این دو امپراتوری رخ داده است، زیرا آنها بر سر آن سرزمین با هم مشاجره داشتند.

بنابراین، زندگی در فلسطین دوران پرآشوبی است. اتفاقات زیادی در حال رخ دادن است و شما هیچ‌وقت نمی‌توانید کاملاً مطمئن باشید که به چه کسی اعتماد دارید. اگر ما با بطالسه طرف شویم و سپس سلوکیان کنترل را به دست بگیرند، آنگاه باید اینجا را تغییر دهیم.

انواع و اقسام جناح‌بندی‌ها و اختلافات وجود دارد و اوضاع بی‌ثبات است. دوران بسیار بی‌ثباتی است. این را در نظر داشته باشید و به یاد داشته باشید که این مردم منتظر ترمیم [وضعیت] بوده‌اند.

آنها سرزمین خود را از دست دادند و پیامبران به آنها گفته بودند که این اتفاق خواهد افتاد، اما پیامبران همچنین گفته بودند که خدا آن را احیا خواهد کرد. آینده‌ای باشکوه در پیش است. اما آنچه که آنها واقعاً در ابتدا تجربه می‌کنند، دوران خیلی باشکوهی نیست.

معبد آنها بازسازی شده است. اما زندگی دشوار است. این [زندگی] پرآشوب است.

سخت است، و آنها منتظر آن آینده باشکوهی هستند که پیامبران پیشگویی کرده‌اند. دو تاریخی که به طور خاص در این مورد مهم هستند، سال ۱۶۷ است، یعنی زمانی که آنتیوخوس چهارم اپیفان، پادشاه سلوکی، به معبد بی‌احترامی کرد و آن را برای استفاده نامناسب ساخت.

و سپس در سال ۱۶۴، گروهی از یهودیان تحت فرمان مکابیان قیام می‌کنند و شورش می‌کنند و معبد را پس می‌گیرند و دوباره وقف می‌کنند. و از سال ۱۶۴ تا ۷۰ میلادی که توسط رومی‌ها ویران می‌شود، دوباره برای تجارت باز می‌شود. بنابراین این جدول زمانی کلی ماست.

ما در بقیه‌ی رؤیاهایی که دانیال می‌بیند به این موضوع برمی‌گردیم. بنابراین همین‌جا می‌گذارم. وقتی به فصل ۷ نگاه می‌کنیم، دانیال این رؤیا را در مورد چهار جانور می‌بیند.

در کتاب دانیال ۲، نبوکدنصر خواب مجسمه باشکوهی را دید که از انواع مختلف فلز ساخته شده بود. دانیال گفت که این مجسمه نمایانگر پادشاهان و پادشاهی‌ها است. بنابراین، در دانیال ۲ و دانیال ۷، در دو طرف آن تقاطع آرامی، آن ساختاری که فصل‌های آرامی را در کنار هم نگه می‌داشت، ما خواب و رؤیایی از چهار پادشاهی زمینی داریم که توسط یک پادشاهی ابدی پنجم جایگزین می‌شوند که آنها را نابود خواهد کرد. از آنها پیشی خواهد گرفت و برای همیشه پایدار خواهد ماند.

پادشاهی خدا. اکثر مفسران فکر می‌کنند که پادشاهی‌های نشان داده شده در دانیال ۲ همان پادشاهی‌هایی هستند که در دانیال ۷ نشان داده شده‌اند. بنابراین، توافق وجود دارد که آنها در بیشتر موارد در مورد همان پادشاهی‌ها صحبت می‌کنند. در این مورد چند تغییر وجود دارد، اما به طور کلی، اتفاق نظر وجود دارد که

چهار پادشاهی در دانیال ۲ همان چهار پادشاهی در دانیال ۷ هستند. اما سپس به دانیال ۸ می‌رسیم. دانیال ۸ نیز نمایانگر برخی از پادشاهی‌ها است.

بنابراین، به نظر من، تلاش برای درک پادشاهی‌ها مستلزم کنار هم قرار دادن هر سه این فصل‌ها، تلاش برای کنار هم قرار دادن این پازل است. کاری که می‌خواهم ابتدا انجام دهم، مرور رویای نبوکدنصر در مورد مجسمه است. و در کنار آن، قصد دارم رویای دانیال در مورد جانوران را نیز قرار دهم.

و سپس قصد دارم در مورد سه دیدگاه اصلی در مورد آنچه که آن قلمروها نشان می‌دهند صحبت کنم. و قبل از انجام این کار، اجازه دهید منبعی را به شما پیشنهاد کنم. گاهی اوقات تلاش برای مرتب کردن همه چیز دشوار است.

من نمودارها را فوق‌العاده مفید می‌دانم. من این نمودار را برای صحبت در مورد پادشاهی‌ها دارم. وقتی به فصل ۹ می‌رسیم، نموداری برای صحبت در مورد ۷۰ هفته دانیال دارم.

و آنها از کتابی بیرون آمدند که امیدوارم هنوز چاپ شود چون واقعاً ارزشمند است. مطمئنم که تا الان جلد جدیدی دارد. این کتاب کمی قدیمی است.

انتشارات زوندروان نمودارهایی از عهد عتیق منتشر می‌کند. آنها مجموعه‌ای کامل از این نمودارها را دارند و این نسخه، کلیشه‌ای‌ترین نسخه من است.

اما نمودارهای فوق‌العاده‌ای دارد که به سازماندهی دیدگاه‌ها و دیدگاه‌ها در مورد چیزها کمک می‌کند. بنابراین، من آن را اکیداً توصیه می‌کنم. بسیار خوب، پس بیایید شروع کنیم.

ما خواب نبوکدنصر در مورد مجسمه را داریم. این دانیال ۲ است. و او سری از طلا می‌بیند. و نیم‌تنه‌ای از نقره.

و او یک برنز می‌بیند. او، ببخشید، در واقع قسمت میانی تنه، هر چه می‌خواهید اسمش را بگذارید. و بعد او پاها و ساق‌های آهنی و انگشتانی دارد که از آهن و گل ساخته شده‌اند.

بنابراین این همان مجسمه‌ای است که او در خواب دید. سپس، در دانیال ۷، دانیال رویایی از چهار جانور می‌بیند که از دریای متلاطم بیرون می‌آیند. بنابراین، او چهار جانور را می‌بیند.

اولین جانور، شیری با بال‌های عقاب است. و او خرسی می‌بیند. و آن خرس سه دنده در دهانش دارد.

و سپس او یک پلنگ می‌بیند. و آن پلنگ چهار سر و چهار بال دارد. و او جانور چهارمی را می‌بیند که وحشتناک است.

او آن را با هیچ چیزی مقایسه نمی‌کند. این یک جانور بی‌نام و نشان است. و این جانور ده شاخ دارد.

و یکی از آن شاخ‌ها، یک شاخ کوچک هم دارد. بعداً به بحث شاخ کوچک برمی‌گردیم. آن بحثی جداست.

بنابراین، همانطور که گفتم، محققان عموماً موافقت می‌کنند که مرجع یکسانی دارند. بنابراین، هر آنچه که سر، طلایی نشان می‌دهد، شیر با بال‌های عقاب نیز نشان می‌دهد. اولین موضع، بگذارید رنگ را عوض کنم، دیدگاه دانش انتقادی است.

بنابراین اساساً، هر تفسیری که انتخاب کنید و انجیلی نباشد، مطمئناً این را در خود دارد. اگرچه برخی از انجیلی‌ها نیز این دیدگاه را دارند. بنابراین، من نمی‌خواهم این تمایز را خیلی واضح بیان کنم.

به این می‌گنمای یونانی. اوه، من رنگش رو عوض نکردم. اون هنوز مشکیه

و من در واقع این را یونانی ۱ می‌نامم. چون نوعی از آن وجود دارد. یونانی ۲ است. و به خاطر شناسایی پادشاهی چهارم، دیدگاه یونانی نامیده می‌شود. بنابراین، می‌توانیم همین الان جای خالی آن را پر کنیم.

چهارمین پادشاهی، یک، دو، سه، چهار، یونان است. و سپس از آنجا، به عقب برمی‌گردیم. بنابراین بخش برنزی، پارس است.

این چهار سر و چهار بال می‌توانند نمایانگر چهار پادشاه ایرانی یا چهار جهت مختلف امپراتوری ایران باشند. یا می‌توانند فقط تعدادی از کل باشند. بستگی به این دارد که چه کسی را می‌خوانید.

بنابراین، شاید تعداد پادشاهان، فقط برای نشان دادن ماهیت گسترده امپراتوری باشد. خرس به عنوان مادها در نظر گرفته می‌شود. و من قصد دارم این را حذف کنم.

شیر و سر طلایی در بابل هستند. ضمناً، همه در مورد این مورد اول اتفاق نظر دارند. خود دانیال به نبوکدنصر گفت که او سر طلایی است، درست است؟ این تصویر در دانیال ۷ از شیری که بال‌هایش کنده شده و سپس شیر مانند یک انسان روی پاهایش قرار گرفته و ذهن انسانی به او داده شده است، برای اکثر محققان، تصاویری از دانیال ۴ و تجربه فروتنی نبوکدنصر و اینکه چگونه خدا ذهن او را از او گرفت و سپس او را بازگرداند، به ذهن می‌آورد.

چه آن را مثبت تفسیر کنید و چه منفی، بعضی‌ها آن را صرفاً قضاوت می‌دانند. بعضی‌ها آن را بازسازی می‌دانند. بنابراین این اولین دیدگاه یونانی است.

دیدگاه دوم، دیدگاه رومی است. و این دیدگاه سنتی است. بسیار رایج است.

و برخی دیگر از کتاب مقدس‌ها که NASB مدت زیادی است که این موضوع وجود دارد. این موضوع در شامل زیرعنوان‌ها هستند، مانند برجسب‌گذاری بخش‌هایی از آنچه می‌خوانید، منعکس شده است. اگر یک را انتخاب کنید، مگر اینکه این را در نسخه‌های جدیدتر خود تغییر داده باشند، من یکی از آنها را از NASB سال ۱۹۹۵ دارم، فکر می‌کنم، آنها در تفسیر دانیال ۷، همانطور که فرشتگان صحبت می‌کنند، آن را با زیرعنوان‌ها تقسیم می‌کنند و سر طلا را شناسایی می‌کنند، یا بله، آنها این را به عنوان بابل شناسایی می‌کنند.

آنها این را ماد-پارس می‌نامند و به وضوح آن را روم می‌دانند. بنابراین، این دیدگاه در چندین جا آمده است. بنابراین، من قصد دارم بگویم که این تا حد زیادی یک دیدگاه انجیلی است، نه منحصرأ

کتاب مقدس استاندارد جدید آمریکایی، نیز وجود NASB، این تنها دیدگاه انجیلی‌ها نیست. این دیدگاه در دارد و دیدگاه سنتی است. پس، بابیلون، بله، همه ما می‌توانیم موافق باشیم

، امپراتوری دوم، نیم‌تنه نقره‌ای، خرس، ماد و پارس است. بنابراین، امپراتوری مشترک، نه دو امپراتوری مجزا، ماد و پارس. و بسته به اینکه یک مفسر چقدر دقیق یا موشکافانه بخواهد به جزئیات پردازد، این سه دنده

می‌توانند نمایانگر سه فتح ماد و پارس باشند، و سپس مفسران سعی خواهند کرد بگویند که آنها کدام فتح هستند.

مفسران لیدیا، بابل، مصر و دیگر کشورها ممکن است چیزهای دیگری بگویند. و برخی از مفسران چیزی نمی‌گویند، اصلاً اهمیتی به آن نمی‌دهند، جز اینکه می‌گویند این یک جانور گرسنه است. او قبلاً چیزهایی را فتح کرده است، و به او گفته می‌شود که برود و چیزهای بیشتری را فتح کند.

سومین پادشاهی یونان است. بسیار خوب، و وقتی می‌خواهید چهار سر و چهار بال را توضیح دهید، پاسخ معمول این است که آنها چهار سردار اسکندر هستند که هر کدام بخشی از پادشاهی عظیم او را دریافت کردند. بنابراین، چهار سردار اسکندر.

چهارمین پادشاهی، روم است. کاری که اینجا انجام ندادم، اجازه دهید به یونان برگردم، اینکه افرادی با این دیدگاه، اگر بخواهند این ده شاخ را توضیح دهند، چگونه آنها را توضیح می‌دهند.

بنابراین، آنها ممکن است فقط بگویند که این نشان دهنده قدرت گسترده است، مثلاً پنج برابر قدرتی که یک جانور معمولی دارد. آنها ممکن است آنها را با گفتن اینکه آنها پادشاهان سلوکی هستند توضیح دهند. بنابراین، ده پادشاه سلوکی بین زمان اسکندر و آمدن شاخ کوچک.

شاخ کوچک برای این تفسیر، آنتیوخوس چهارم است. بعداً به آن باز خواهیم گشت. دیدگاه رومی می‌گوید، خوب، اولاً، اجازه دهید یک توضیح مختصر بدهم.

همه دیدگاه‌هایی که توصیف می‌کنم مشکلاتی دارند، باشه؟ هیچ کدامشان قطعی نیستند. همه آنها باید چیزهای خاصی را توضیح دهند و من یک بار استادی داشتم که به آن تکان دادن دست می‌گفت. وقتی سعی داری چیزی را توضیح بدهی و می‌خواهی طرف مقابل حرفت را باور کند، فقط دست‌هایت را تکان می‌دهی، و انگار می‌دانی داری درباره چه چیزی صحبت می‌کنی.

بنابراین، همه باید کمی دستشان را تکان دهند. شکاف‌هایی وجود دارد که همه باید توضیح دهند، شکاف‌هایی در گاهشماری که کاملاً کار نمی‌کنند. و مسئله دیدگاه رومی، این یکی از چیزهایی است که آنها باید سعی در توضیح آن داشته باشند. خوب، بگذارید در این مورد کمی مکث کنم. ببخشید.

بنابراین، وقتی به این دیدگاه رومی می‌رسید، راه‌های مختلفی برای رسیدن به آن وجود دارد. برخی می‌گویند تمام وقایع شرح داده شده در این رؤیا به وقوع پیوسته‌اند. آنها گذشته‌اند.

آنها تمام شده‌اند. آنها تاریخی هستند. بنابراین، می‌توان گفت که یک تحقق گذشته وجود داشته، همه چیز انجام شده است.

تا سال ۷۰ میلادی، همه چیز تمام شده بود، زمانی که رومی‌ها معبد را ویران کردند. مسیر دیگری که مردم خواهند رفت این است که می‌گویند، خوب، برای این رؤیا در آینده تحقق وجود دارد. و این به نوعی از طریق یک امپراتوری گسترده روم محقق خواهد شد.

بنابراین، امپراتوری روم دیگر وجود ندارد. بنابراین، اگر فکر می‌کنید که این رؤیا در آینده محقق خواهد شد، باید به نحوی توضیح دهید که چگونه یک امپراتوری روم هنوز وجود دارد. بنابراین، مردم خواهند گفت، خوب، یک امپراتوری گسترده وجود دارد.

و گاهی اوقات این به این معنی است که تأثیر روم هنوز دیده می‌شود، مانند اروپا. زبان‌های رومی زیادی وجود دارد، درست است؟ هنوز تأثیر زیادی از امپراتوری روم وجود دارد. اگرچه خود روم یک امپراتوری نیست، اما تأثیرات آن هنوز به وضوح دیده می‌شود.

بنابراین، به نظر من، این می‌تواند تعمیم‌یافته باشد. یا می‌توان گفت که به نوعی، شکل یا فرمی، احیا یا بازسازی شده است. چیزی که معمولاً با این دیدگاه احیا شده یا بازسازی شده اتفاق می‌افتد این است که شما می‌گویید، خب، در آینده، ائتلافی از رهبران، شاید 10 نفر، تشکیل خواهد شد که به هم می‌پیوندند.

و شاخ کوچک قرار است دجال باشد. خب، از دیدگاه رومی‌ها، اگر در آینده تحقیق وجود داشته باشد، شاخ کوچک همان دجال است. از دیدگاه یونانی‌ها، شاخ کوچک آنتیوخوس چهارم است.

آنتیوخوس چهارم، این در تاریخ محقق شده است. از دیدگاه رومی، اکثر مردم خواهند گفت که هنوز تحقیق در راه است. شاخ کوچکی که از ائتلاف امپراتوری روم احیا شده یا احیا شده بیرون می‌آید، همان دجال است.

و بنابراین، پایان این دیدگاه ما را به پایان، پایان تاریخ معاصر، تاریخ کنونی می‌برد. خب، اینها دو دیدگاه اصلی هستند. دیدگاه سومی که شکل گرفته است، به گمان من، در میان محققان انجیلی شکل گرفته است.

این هم یک دیدگاه یونانی است، اما من آن را دیدگاه یونانی شماره دو می‌نامم. خب، این موضع در مقاله‌ای از رابرت گورنی ارائه شده است. یادم نیست در کدام مجله بود.

و سپس جان والتون مقاله‌ای در پاسخ به آن دارد. و برخی دیگر از محققان انجیلی نیز به آن اعتقاد دارند. بسیار خوب، بنابراین در این دیدگاه، سر طلایی، بابل است، اما به طور خاص، نبوکدنصر است.

منظورم این است که، بالاخره، این همان چیزی است که دانیال گفت: تو سر طلایی هستی. و این شیر نمادی از نبوکدنصر است. پس او نبوکدنصر است.

نیم‌تنه نقره‌ای، رسانه است، به طور خاص رسانه، همانطور که در کنار نبوکدنصر وجود داشت. بنابراین می‌تواند برخی از حاکمان معاصر نبوکدنصر نیز باشند. و سپس شما ممکن است تصمیم بگیرید یا نگیرید که توضیح دهید سه دنده، سه فتح، چه کسانی هستند.

من قصد ندارم همه اینها را در نظر بگیرم. پادشاهی سوم، پارس است. و می‌توان گفت چهار پادشاه، شاید هم گسترده.

و چهارمین پادشاهی، یونان است. از این دیدگاه، ده شاخ، ده ایالت مستقل هستند که تا قرن دوم پیش از میلاد از امپراتوری اسکندر بیرون آمدند. بسیار خب، من قصد ندارم همه اینها را توضیح دهم.

اما بگذارید به شما بگویم که چرا آنها مسیری کمی متفاوت از مثلاً ده پادشاه سلوکی را طی می‌کنند. ده پادشاه سلوکی، مگر اینکه آن را به صورت نمادین به عنوان تعدادی از کمال در نظر بگیرید، عدد درستی نیست. بیشتر شبیه ۱۴ یا ۱۷ است.

بین اسکندر و آنتیوخوس بیش از ده پادشاه سلوکی وجود داشتند. بنابراین، این عدد کار نمی‌کند. مشکل دیگر این است که وقتی به قوچ و بز می‌رسیم، بز یک شاخ دارد که به چند شاخ تقسیم می‌شود؟ چهار

خب، این نشان دهنده پادشاهی اسکندر است که به چهار بخش تقسیم شده است. پس چرا ناگهان... چرا یک رؤیا درباره ده صحبت می‌کند؟ یک رؤیا درباره چهار صحبت می‌کند. و مفسران دوست دارند بگویند چهار برابر با ده نیست.

خب، بدیهی است. اما هر کسی باید چیزی را توضیح دهد. و اعداد و ارقام کار را کمی پیچیده می‌کنند.

از این دیدگاه، شاخ کوچک همان آنتیوخوس چهارم نیز هست. مردم ریشه‌کن شدن سه شاخ را به روش‌های مختلفی توضیح می‌دهند. به یاد دارید که این شاخ کوچک چه زمانی ظهور کرد؟ سه شاخ را از ریشه می‌کند.

همه اینها بسیار جزئی و پیچیده می‌شود. و هر مفسری که در مورد آن می‌خوانید، ممکن است دیدگاهی نسبت به آن داشته باشد یا نداشته باشد. برخی از تفاسیر، کار فوق‌العاده‌ای در شرح جزئیات دیدگاه‌های مختلف انجام می‌دهند که بسیار مفید نیز هست.

خب، اینها سه دیدگاه اصلی در مورد چگونگی شناسایی چهار پادشاهی هستند. من نظر خودم را نشان می‌دهم. من به طور کلی، این یکی را یک دیدگاه یونانی می‌دانم.

و من تا اینجا همه چیز را می‌بینم. من خیلی وارد جزئیات ده شاخ و سه دنده و همه اینها نمی‌شوم. و در ادامه برایتان توضیح خواهم داد که چرا این یکی را قانع‌کننده‌تر می‌دانم.

بگذارید این را هم بگویم که اگر کسی این دیدگاه را دارد، به این معنی نیست که نمی‌تواند اهمیت بیشتری برای رؤیا جز تحقق آن وجود داشته باشد. بنابراین، حداقل در پیشگویی‌های کتاب مقدس، اغلب این بزرگنمایی وجود دارد، درست است؟ جایی که چیزی را می‌بینید، یا در واقع یک مثال بهتر که من دوست دارم، این است که وقتی از دور به رشته کوه‌ها نگاه می‌کنید، فکر می‌کنید همه آنها در یک فاصله هستند فقط وقتی به آنها نزدیک می‌شوید متوجه می‌شوید که خب، این کوه حدود ۵۰ مایل از آن کوه و ۱۰۰ مایل از آن کوه فاصله دارد.

بنابراین، وقتی با ماشین به سمت آن می‌روید، فاصله یکسان به نظر می‌رسد. اما وقتی وارد آن می‌شوید، متوجه می‌شوید که واقعاً فاصله‌ای وجود دارد. بنابراین گاهی اوقات، در پیشگویی‌های کتاب مقدس، همین را می‌بینیم.

ما نمی‌توانیم از دیدگاه خودمان، فاصله بین برخی رویدادها را کاملاً تشخیص دهیم. گاهی اوقات آنها در هم فرو می‌روند، بنابراین به نظر می‌رسد که همه چیز در یک زمان اتفاق می‌افتد. دشوار است.

پیشگویی دشوار است. آخرالزمانی بودن و نمادگرایی آن را حتی دشوارتر می‌کند. اما فکر می‌کنم چیزی که می‌توانیم بگوییم، یا چیزی که من و مفسران با آن موافقیم، این است که صرفاً به این دلیل که چیزی محقق شده است، به این معنی نیست که نمی‌تواند اهمیت آینده داشته باشد.

بنابراین، این می‌تواند به عنوان الگویی برای وقایعی باشد که همچنان برای قوم خدا اتفاق می‌افتد. قوم خدا همچنان رنج می‌کشند، شاید نه در زمان آنتیوخوس چهارم، اما جانشینان آنتیوخوس چهارم خواهند بود که تا پایان، زمانی که خدا همه چیز را به پیروزی نهایی خود می‌رساند، بر قوم خدا رنج تحمیل می‌کنند. بنابراین فعلاً همین را نگه می‌دارم.

بیاید ببینیم فصل ۸ چه ربطی به این موضوع دارد. چون یادتان باشد، فصل ۸، فرشته خیلی مفید است و نشانه‌های خیلی خاصی به ما می‌دهد. خب، در فصل ۸، از چه رنگی باید استفاده کنم؟ برگردیم به آبی

نه، برگردیم. فرشتگان، یک قوچ و یک بز هستند. و گفته می‌شود قوچ، ماد و پارس است.

این قوچ دو شاخ است. گفته می‌شود که این بز از یونان آمده است. و شاخ کوچک از بز است.

خب، این رؤیای فصل ۸ است، قوچ و بز، یا عصرها و صبح‌ها. خب، وقتی به همه این رؤیاها با هم نگاه می‌کنید، در دو تا از آنها، یک شاخ کوچک داریم، درست است؟ ببخشید، بگذارید بگویم، در این رؤیای حیوانات هم یک شاخ کوچک داریم. و در رؤیا هم یک شاخ کوچک داریم؛ من رؤیای قوچ و بز را می‌گویم. چون کوتاه‌تر و سریع‌تر است.

و این به شما کمک می‌کند تا حیوانات را در این مرحله به خاطر بسپارید. ما دو شاخ کوچک داریم. در رویای دانیال در مورد چهار جانور، این شاخ از جانور چهارم بیرون می‌آید.

ده شاخ جانور چهارم. در رؤیای دانیال که قوچی و بزی در آن است، از بز بیرون می‌آید. و فرشته به ما می‌گوید که این نمایانگر یونان است.

بنابراین، اگر شما دیدگاه رومی، دیدگاه رومی از امپراتوری‌ها را داشته باشید، دو شاخ کوچک متفاوت خواهید داشت. در رویای دانیال در فصل ۷، شاخ کوچک شما دجال است. از دیدگاه رومی

از دیدگاه دانیال، که قوچ و بز را در آن داشت، شاخ کوچک، آنتیوخوس چهارم است. همه با این موافقند زیرا فرشته اساساً چنین گفته است. بسیار خوب، پس همه، صرف نظر از دیدگاهی که در مورد چهار امپراتوری در آن دو باب دارند، همه موافقند که شاخ کوچک در باب ۸، آنتیوخوس چهارم است.

بسیار خب، اگر دیدگاه رومی را قبول دارید، شاخ کوچک شما در فصل ۷ همان دجال است. بنابراین، در یک رؤیا با شاخ کوچک دجال مواجه هستید، و در رؤیای دیگری با شاخ کوچک آنتیوخوس چهارم. بسیار خب، اگر در رؤیای دانیال در مورد چهار جانور، دیدگاه یونانی، یا هر یک از دیدگاه‌های یونانی را قبول دارید. شاخ کوچک شما همان دجال است.

و کوچولوی شما... ببخشید، ببخشید، اشتباه گفتم. وای، برو عقب. اگر دیدگاه یونانی را داشته باشید، شاخ کوچولوی شما آنتیوخوس چهارم است.

نام‌هایشان خیلی به هم نزدیک است: آنتیوخوس چهارم. در فصل ۸، همه موافقند که شاخ کوچک آنتیوخوس چهارم است.

شما برای شاخ کوچک مرجع یکسانی دارید. دیدگاه یونانی برای هر دو شاخ کوچک مرجع یکسانی دارد، در حالی که دیدگاه رومی مرجع‌های متفاوتی دارد.

حالا، مفسران از هر دو دیدگاه دفاع خواهند کرد. بنابراین، شاخ‌های کوچک دقیقاً یکسان توصیف نشده‌اند. تفاوت‌هایی وجود دارد، درست است؟ این یکی از 10 شاخ بیرون می‌آید.

این یکی از چهار تاست. خب، اونا با هم فرق دارن، درسته؟ تفاوت‌هایی تو توضیحاتشون هست. همچنین شباهت‌های زیادی هم تو توضیحاتشون هست.

هر دو به عنوان آمدن... مرحله دوم در یک امپراتوری توصیف شده‌اند. داشتن قدرت زیاد، تکبر، قدرت بی‌سابقه. بنابراین، مفسران شباهت‌ها و تفاوت‌های بین شاخ‌ها را فهرست می‌کنند.

و واقعاً، یک محقق باید تصمیم بگیرد که کدام دیدگاه از نظر... برای من، از نظر ادبیات و متن قانع‌کننده‌ترین است. برای من منطقی‌تر است که یک مرجع برای این تصویر تکرار شده ببینم. دیگران خواهند گفت، نه، منطقی‌تر است که... این دیدگاه در دانیال ۷ کیهانی است.

دیدگاهی که در دانیال ۸ آمده بسیار متمرکز است. درست است. بنابراین، آنها از دو دیدگاه متفاوت دفاع خواهند کرد.

من فقط فکر می‌کنم از نظر ادبی بهتر است که به یک مرجع اشاره کنیم. با این حال، فکر می‌کنم اهمیت آن فراتر از این است. بنابراین، کتاب دانیال از فصل ۵ شروع می‌شود و درباره این بلشصر به ما می‌گوید، که نمونه اولیه یک پادشاه بدبخت، سرکش، متکبر و کفرگو است که از خدا سرپیچی کرد.

او بد است. وقتی به رؤیاهای دانیال در سال‌های سلطنت بلشصر می‌رسیم، این رؤیاهای او از این حاکم وحشتناک می‌بینیم. او سرکش است.

او کفرگو است. سخنان بزرگ می‌گوید. ستارگان را از لشکر آسمانی پایین می‌کشد و محراب را فرو می‌ریزد.

او وحشتناک است. شما فکر می‌کنید بلشصر بد بود. خدای من، آنتیوخوس چهارم، فصل ۸، مطمئناً بدتر است.

فراتر از آن، می‌توانیم بدتر هم بشویم. اگر به عهد جدید مراجعه کنید، عهد جدید زبان دانیال را برمی‌گزیند درست است؟ و ما این مرد بی‌قانون را خواهیم داشت. کتاب مکاشفه به وضوح به ما نشان می‌دهد که اوضاع قبل از بهتر شدن، بسیار بدتر می‌شود.

بنابراین، شما این الگوی بد بودن، بدتر شدن و بدتر شدن اوضاع را دارید، تا زمانی که خدا آنها را به پایان برساند. بنابراین، من فکر می‌کنم ما یک الگو داریم، و یک پیشگویی. من می‌خواهم هر دو را داشته باشم.

من تنها کسی نیستم که این کار را می‌کند. اما فکر می‌کنم برای من، این روش به ادبیات و متن وفادارتر است. اما در عین حال امکان استفاده در آینده را نیز فراهم می‌کند.

بنابراین اینگونه است که من دانیال ۷، دانیال ۲ را کنار هم قرار می‌دهم و سپس دانیال ۸ را در نظر می‌گیرم. نمی‌خواهم اهمیت بلشصر را در این دو رؤیا فراموش کنم، باشه؟ چون فکر می‌کنم او به ما کمک می‌کند تا این الگو را ببینیم. او به ما یادآوری می‌کند که باب ۵ این نمونه اولیه را برای این پادشاه سرکش به ما ارائه می‌دهد. اوضاع فقط بدتر خواهد شد.

قوم خدا همچنان رنج خواهند کشید. منظورم این است که می‌توانید تاریخ جهان را بخوانید تا مستبدانی را پس از مستبدانی دیگر بیابید. آنتیوخوس چهارم بدبخت بود، اما او آخرین نفر نیست.

تاریخ همچنان ادامه دارد. این راهپیمایی حاکمان متکبر، سرکش و کفرگو در نهایت به تصویری که عهد جدید به ما نشان می‌دهد، ختم خواهد شد و با پیروزی باشکوه خدا به پایان خواهد رسید. بنابراین این کاری است که من با چهار پادشاهی انجام می‌دهم.

می‌توانم تا حدودی توضیح دهم که برخی از تفاسیر چه کاری انجام می‌دهند. اول از همه، اجازه دهید این کتاب را برای این تاریخ بین دو عهد به شما یادآوری کنم. باز هم، امیدوارم که هنوز چاپ شود.

اگر اینطور نیست، حتماً کسی در آمازون آن را می‌فروشد. این کتاب «یهودیت پیش از عیسی، رویدادها و ایده‌هایی که جهان عهد جدید را شکل دادند» نوشته آنتونی توماسینو است. روایتی فوق‌العاده و نسبتاً آسان از این تاریخ.

وقتی به دانیال ۹ رسیدیم، به سراغ تفاسیر خواهم رفت. فعلاً این کار را ادامه می‌دهم. متشکرم.

من دکتر وندی ویدر و آموزه‌های او در مورد کتاب دانیال هستم. این جلسه ۱۲، دانیال ۲، ۷ و ۸ دیدگاه‌هایی در مورد چهار امپراتوری است.